

مَهْلِكٌ

شهریور ماه ۱۳۳۳ جلالی - محرم ۱۳۳۴ هجری

- بلای الکول -

« کاش خوب روی در پیداشانی شیر و شراب در قبه آسمان
جای داشتی، تا آنرا جز شیر نبوسیدی و این را جز

فرشته ننوشیدی. »

شنیدن اخبار هولناک میدانهای جنگ، خواندن داستان قحط
و غلا، آگاهی از خسارات و تلفات بیماریها، باعث وحشت و
تألم خاطر است. ممکن است آتش جنگ خاموش شود و
گرانی با ترقی زراعت و فلاح از میان بر خیزد، ممکن است
امراض ساریه بواسطه کشفیات فن طباز حملات خود بکاهند،
اما اقوام و ملل دنیای امروز به مرضی گرفتارند که تخریبات آن
از همه اینها بیشتر است. این آفت مهلك که تأثیرات خود را
بطور بطئی و دائمی و باطنی اجرا میکند بلای الکول است.

نوع بشر با آسانی از دست این دشمن خلاص نمیشود، کسانی که هستی خویش را فدای آکل کرده اند بهیچ مانع اخلاقی و مذهبی اعتنا نموده از این کار روگردان نیستند.

مستی را که در معاشر عمومی بچپ و راست متمایل است شاید دیده باشید، میخواهد در يك خط مستقیم حرکت کند نمی تواند، چشمانش جمود غریبی دارد، سر از پای نمیشناسد، گاه دشنام میدهد، گاه دیوانه وار بتهدید و عربده و تعرض مشغول است، الفاظی غیر مفهوم میگوید، اطفال در اطراف او جمع میشوند، زن و مرد راهگذر در تماشای این هنگامه شرکت می کنند.

این حالتی است که انسان را با حیوان مساوی نموده است، آیا این منظره متضمن عبرت نیست؟ این مرد گمراه بخانه اش میرود، بخانه میرود که اولادش از او میترسند، بخانه میرود که زن آن خانه را بد بخت کرده است، بدترین مدلها و رسوائیها همه جا با او همراه است. *بم جقدیر الشخصا من مستعد لایق*، فهم و ادراک خود را از استیلائی این بلای *مبنوام* وداع گفته اند! بسیاری از دردی کشان نیز مفاسد این عمل را میدانند و این آب آتش مزاج را ام الحباثت میخوانند، بارها در جراید دیده ایم که حکومتهای اروپا تصمیم کرده اند استعمال مشروبات الکولیک را محدود کنند، باندازه که توانسته اند از گذاشتن قوانین و اعمال شدت مضایقه نموده اند، لکن بتحقیق پیوسته که این تدابیر چندان مفید نبوده اند.

«آلکولیسیم» غالباً از ضعف بنیه ناشی میشود، طبقات کارگر و

رنجیر اروپا برای مقاومت با کار بمسکرات معتاد شده‌اند، انسان با قوه اراده می‌تواند عادت ادمان یا دائم الخمر بودن را از خود دور کند و با سلاح عزم و منانیت بمقام مدافعه بر آید، اما فراموش نباید کرد اول چیزی که با حمله مسکرات از میان می‌رود همین قوه اراده است. آلكول قوای روحیه شخص آلكولیک را چنان ضعیف میکند که خرابی تار و پود بدن در مقابل انحطاط عقل و روح قابل ملاحظه نیست. انسان به نکبت، مذلت، رسوائی، افلاس و تنگدستی دچار می‌شود، در این هنگام عرق، آبسنت، ویسکی، شراب، مساعدت خود را بر او عرضه می‌دارند، این بیچاره محزون منکوب پیمانۀ چند میکشد و از تاثیر جلیت انگیز آلكل خار را گل و زاغ را بلبل می‌شمارد.

در یونان قدیم اگر کسی در مدت عمر یکبار مست می شد نمی‌توانست پارلمان وارد شود. یکی از سرکردگان اروپا از افراط سپاهیان در شرب خمر بستوه آمده تا کستانها را از بیخ بر کند و گفت: «نه انگور باد نه آب انگور». در مکزیک موی سر و صورت و ابرو و تمام اعضاء ظاهریه مستان را در ملاء عام می‌تراشیدند، اموالش را مصادره می‌کردند، مست را با دیوانه تفاوت نمی‌گذاشتند، در اسکاتلند اشخاص دائم الخمر را در آب غرق مینمودند، در زمان شارلمان گرفتاران این مرض را بمسک سپاهگیری راه نمیدادند. در این عصر، علاوه بر وسایط عنف و اجبار، در مدارس و مکاتب برای تشریح مفاسد میکساری کونفرانسها میدهند، زندگانی میخانه، مجادلات مستان، عاقبت فجیع آنانرا توسط

سینما پیش چشم شاگردان مجسم میدارند ، محصلین را بمجامعی که برضد « آکولیسیم » تأسیس شده‌اند دعوت مینمایند ، مادام « کاروی ناسیون » امریکائی بکزن میخانه چی و مشتری او را که بخریب مشغول بوده با دو تیر رولور میکشد و بی کار خود میرود . باوجود تشکیل این جمعیات و اقدامات جسورانه هیتهای « Anti-alcoolisme » آشامیدن این زهر های جانگداز بقرار سابق در تزیاید است .

« برتلو » شیمیست معروف میگوید : « سکنه اروپا بواسطه استعمال آکول بانحطاط جسمانی ، انقراض نسل ، استحاله قوه روحانی گرفتارند ، چاره سلامت در این است که برای ممانعت تعمیم این بلیه قوانین بسیار سخت گذارده شوند . »

مسیو « یلمون » قضیه خانواده « آوازم » را شاهد آورده میگوید : « عده این فامیل که در ۱۷۴۰ صورت تشکیل گرفته و تا اوایل عصر اخیر زندگی کرده اند ، ۸۴۳ نفر بوده است . از ۷۰۹ نفر اعضاء این خانواده آکولیک ، ۱۰۶ اولاد غیر مشروع ، ۱۴۲ اهل تکدی ، ۶۴ مصروع و مجنون ، ۸۱ آواره و مبتذل ، ۷۶ دزد و جیب بر ، ۷ آدمکش و باقی از سوء اخلاق بهره کامل داشته اند ، افراد این خانواده در مدت هفتاد و پنجسال همیشه در محبسها و مریضخانهها خوابیده بیش از پنج میلیون فرانک خسارت بدولت فرانسه وارد کرده اند . »

این مطالعات در سال ۱۸۹۱ بعمل آمده ، باید دید از آنوقت تاکنون آکولیسیم در دنیا چها کرده است . درست ده سال بعد از این درماه

۱۹۰۱ م. سیو «كابو» وزیر مالیه فرانسه در لایحه خود که پارلمان تقدیم نمود با کمال مباحثات میگفت: نظر بسالهای گذشته محصول شراب به نسبت پنجاه درصد روی باز دیاد نهاده است (۱)

شیوع این عادت مکروه نیز یکی از جنایات تمدن است، آنچه در اروپا برای جلوگیری آلكولیسیم کرده اند فایده مهمی نداشته است. گذشته از نجویز دینی، لزوم باده پیمائی در اعیاد روحانی و مدنی، استخراج آلكول از اثمار و نباتات و همه چیز، نمکن همچشمی و تقلید در نفوس، تنگی دائره معیشت کارگر، حرص استفاده از تجارت این متاع موزی دائماً مضرات آن را در افطار عالم منتشر مینماید، حکومتهای اروپا از خراج مسکرات عایدات گراف میبرند و این پولها را برای تعادل بودجه های خود لازم دارند، تجار و کبانی ها با سرمایه های بزرگ این کار را مورد انتفاع و ارتزاق قرار داده اند، در بعضی از جراید میخوانیم که در ممالک انگلیس ۳۱۴ میلیون نفر علی الدوام برب آلكول مشغولند، این جمع کثیر هر یک سالی هفت لیره پیهایی مشروبات میدهند، مجموع این مصروفات ۱۶۸ میلیون لیره است. دولت برای مداوای بیماران آلكول و ساختن محبسها و مریضخانهها ۶ میلیون، برای اعانت مساکین این طبقه ۸ میلیون، برای ترتیب امور اجتماعیه که از جرایم شرابخواران در اختلال است ۵ میلیون لیره خرج میکنند. اگر این پیرایه را بر جمال اصلی بیفزاییم آنوقت خواهیم دانست بلای آلكول در عالم تمدن بچه قیمت گران تمام می شود.

بعضی از مطلعین مدعی هستند که اگر اهالی انگلیس مسکرات را دور انداخته از کوی میفروش بگریزند، اقلاً ده میلیون نفر بی کار و بی تکلیف خواهند بود، در يك قصبه بلژیک که جمعیت آن بدو هزار نمیرسیده ۱۲۳ میخانه بوده است، از این قرار هر شانزده نفر يك میخانه داشته و بسیار سعادتمند بوده اند! در این مسئله مساعی اطباء نیز تأثیری نمی بخشند، این توبه فرمایان که مضار الکول را بتوسط کتابها و نشریات طبی و کونفرانها بمردم اظهار میکنند، خرمی و شادکامی خود را در میگساری میدانند و میگویند مسکرات خالص املاحی دارند که میتوانند بیفایده نباشند. در صورتی که اهل فن باحکام و آراء خود مقید نشوند، عامی نادان را چگونه میتوان از این ضلالت مانع شد و خراباتی مست را چگونه میتوان هشیار ساخت؟

یکی از مؤلفین فرانسسه میگوید: «دشمن ما فقط در بیرون نیست، دشمن در رگهای بدن ما میگردند، اگر بتدبیر آن همت نکنیم معدوم خواهیم شد، فرانسسه باید مرض الکولیسم را بهرواسطه و تدبیری که ممکن باشد از میان بردارد و گرنه نژاد و ملیت ما مضمحل خواهد شد.»

در اغلب نقاط اروپا گرفتاران الکول را بوسیله «Pédagogie hypnotique» معالجه میکنند، موافق اصول علم «تنویم» در حالتی که مریض را خوابانده اند ترك مسکرات را باو تلقین می نمایند، این عملیات چند هفته متوالی تکرار میشوند و بعضی از اشخاص تا اندازه رو باصلاح میروند، اما این طریقه هرگز

قابل تطبیق و اجراء نیست.

یکی از اساتید مینویسد: « کسانی که ترك مسكرات را واجب میدانند و از سرزنش مستان کوتاهی نمیکنند ملتفت نیستند که مبتلای بدبخت در رنج و عذاب است ، همین اشخاص که شاید خودشان دیرزمانی در حلقه میگساران نشسته اند نمیدانند تسلط این مرض بر مردم درجات مختلف دارد ، چیزی که بر صاحبان عزم و اراده آسان است بی شبهه بر دیگران دشوار است ، پلنگی و بره را ملزم کنید تا مدتی معین گوشت نخورند ، فرض نمائید هر دو برای اطاعت امر حاضر شدند ، اگر بره بوعده خود وفا کند سزاوار تحسین است؟ اگر پلنگ نقض عهد نماید مستحق تو بیخ خواهد بود؟ » عقیده ما این است که قانون نمی تواند از سرایت این بلیه جلوگیری کرده عادت آکولیسیم را متلاشی سازد ، اما تعلیم از عهده این خدمت مهم بر میآید ، اگر کاملاً موفق نشود اقلان ادمان مضر را باعتدال مفید مبدل میکند . مضرات این عمل را در مدارس عمومی باید بشاگردان خاطر نشان نمود ، در آمریکا و سوئد و نوروژ تدریس مفاسد آکولیسیم را جزو پرگرام تحصیلات ابتدائی و متوسطه قرار داده اند . بچه از اول شروع بدرس ضررهای فاحش میخوارگی را میفهمد و اساس تنفر در خاطرش جایگیر میشود . اگر نوع بشر بتواند يك روزی به بستن در میكده ها موفق گردد بآبادی جهان و آسایش انسان خدمتی بزرگ کرده است .